

در حالی که دونالد ترامپ سپاه پاسداران را در لیست تروریستی قرار داده، بررسی هانشان می دهد و مهم ترین حامی تروریسم در سال های اخیر بوده است (بخش اول)

گزارش دست اول از خط مستقیم تروریستی آلبانی- کاخ سفید



دوستی و نزدیکی زیاد ترامپ با گروهک تروریستی منافقین، یکی از واضح ترین شاخص های غلط در سیاست های دولت ترامپ در رابطه با ایران است. جان بولتون مشاور امنیت ملی آمریکا و رودی جولیانی وکیل مدافع ترامپ از برجسته ترین و مهم ترین میهمانان تجمعات منافقین هستند که در ازای دریافت ده ها هزار دلار در جمع اعضا و هواداران آن گروه سخنرانی می کنند.

به عنوان مثال در ماه فوریه، جولیانسی در تجمع طرفداران منافقین در ورشو (پایتخت لهستان) در حاشیه کنفرانسی که توسط آمریکا در رابطه با مسائل خاورمیانه تشکیل شده بود، حاضر شد و با ایراد سخنان تند علیه مقامات ایرانی، بیان کرد که آمریکا باید دولت ایران را سرنگون و رجوی را جایگزین آنها کند. وزارت امور خارجه آمریکا سال ها منافقین را به عنوان یک گروه تروریستی به رسمیت می شناخت؛ اما پس از تلاش های بسیار و سرمایه گذاری هنگفت منافقین روی کمین لابی گری حمایت شده توسط مقامات برجسته سیاسی از هر دو حزب آمریکا، وزیر امور خارجه هیلاری کلینتون در سپتامبر ۲۰۱۲ اعلام کرد که این گروه از فهرست سازمان های تروریستی خارجی حذف خواهد شد.

هرچند یکی از مقامات ارشد وزارت امور خارجه ایالات متحده درباره حذف منافقین از فهرست تروریستی این وزارتخانه می گوید که وزارت، از گذشته تروریستی منافقین که شامل کشتن شهروندان آمریکایی در ایران در دهه ۱۹۷۰ و حمله شان به خاک آمریکا در سال ۱۹۹۲ بود، چشم پوشی نکرده و آن را فراموش نمی کند. وی همچنین اشاره کرد که وزارت امور خارجه درباره منافقین به عنوان یک سازمان نگرانی جدی دارد، خصوصا با توجه به اتهامات وارده بر این گروه درخصوص سوء رفتار با اعضای خود.

دانیل بنجامین، هماهنگ کننده بخش مبارزه با تروریسم در وزارت خارجه از ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۲، در مقاله ای در «پولیتیکو» که در ۱۳ دسامبر ۲۰۱۶ منتشر شد، اظهار کرد هنگام خارج کردن منافقین از فهرست تروریستی، وزارت خارجه آمریکا از گذشته تروریستی این گروه آگاهی داشته است: «براساس مستندات سیستم اطلاعاتی آمریکا، ایالات متحده طی چندین دهه سازمان مجاهدین خلق را برای کشتن سه سربهنگ ارتش ایالات متحده، سه پیمانکار آمریکایی، بمباران تأسیسات چندین شرکت آمریکایی و کشتن ایرانیان بی گناه مقصر دانسته است. دولت های مختلف ایالات متحده تلاش های مجاهدین خلق را برای تیرنه خود از اقداماتی که در گذشته انجام داده با این ادعا که آنها نتیجه مدیریت، به تعبیر نیویرچلی، یک «گروه مارکسیستی» بوده که در نبود رهبران اصلی سازمان که آن زمان در زندان به سر می بردند، برای مدت کوتاهی کنترل سازمان را در اختیار گرفته بودند، رد می کند.»

در همان مقاله، بنجامین در پاسخ کتبی به معاون وقت وزیر امور خارجه به سوال یکی از کمیته های فرعی کنگره آمریکا در سال ۱۹۹۲ در مورد منافقین اشاره می کند که در پاسخ اینچنین اظهار کرده بود: «وزارت امور خارجه آمریکا با توجه به گذشته سازمان از استفاده از تروریسم و ادامه حمایت از خشونت و تناقض اساسی بین سیاست های آن و آمریکا، با مجاهدین خلق هیچ معامله ای نمی کند.»

در آوریل سال ۲۰۱۵، زمانی که از مریم رجوی دعوت شده بود برای ارائه شهادت درخصوص داعش در یکی از جلسات استماع کنگره حضور پیدا کند، دانیل بنجامین به همراه سفیر سابق آمریکا در سوریه، حاضر نشدن در آن جلسه حضور پیدا کنند. بنجامین دعوت را رجوی را «شرم آور» توصیف کرد و سفیر سابق آمریکا در سوریه در اظهار نظری جنجالی به «المانیتور» گفت: «مجاهدین خلق چه مزخرفی در مورد دولت اسلامی دارد که بگوید؟»

گروهک منافقین در واشنگتن و به ویژه در میان گروه های تندرو ضد ایرانی جای خود را باز کرده است و تاثیر گذاری روزافزونش با «جریان پولی که از سمت گروه به جیب سیاستمداران آمریکایی روانه می شود» همزمان شده است. در سال ۲۰۱۵ در مقاله ای که در «اینترسپت» منتشر شد آمده بود که منافقین از سال ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۵ بیش از ۲۳۰ هزار دلار برای کمک های سیاسی به مقامات آمریکایی صرف کرده اند. روزنامه نیویورک هم در سال ۲۰۱۲ درباره مدافعان مجاهدین خلق نوشت: «بسیاری از حامیان برجسته آمریکایی آنها، ۱۵ تا ۳۰ هزار دلار در ازای سخنرانی برای گروه گرفته اند. آنها همچنین در قالب مسافرت های لوکس بدون اینکه یک دلار از جیب خود هزینه کنند، به پاریس و دیگر شهرهای جهان سفر می کنند تا در مراسم مجاهدین خلق شرکت کنند. از رندل، فرماندار سابق پنسیلوانیا در مارس ۲۰۱۲ تأیید کرد که منافقین ۱۵۰ تا ۱۶۰ هزار دلار به او پرداخت کرده اند. به نظر می رسد به دیگر پشتیبانان درجه اول نیز به همین شکل پاداش داده اند.» به گفته یک خبرنگار آمریکایی از زمان خارج شدن منافقین از لیست سازمان های تروریستی وزارت امور خارجه آمریکا، نفوذ مجاهدین خلق از سطوح پایین به جریان های اصلی و معتبر جمهوری خواهان و دموکرات ها ارتقا یافته است.

منافقین به روایت آمریکا

«سازمان مجاهدین خلق» به عنوان یک جنبش دانشجویی مخالف حکومت پهلوی شروع به کار کرد و ایدئولوژی ا را که ترکیبی عجیب از اسلام گرایی و مارکسیسم بود، تبلیغ می کرد. این گروه در ابتدا به شدت ضد آمریکایی بود. عملیات تروریستی این گروه و شرکت های تجاری آمریکایی را هدف قرار داد و علاوه بر

کشتن ۶ تن از شهروندان آمریکایی، قربانیان ایرانی بی شماری را در کارنامه خود ثبت کرد. در سال ۱۹۸۱، رهبری منافقین سعی در سرنگونی رژیم تازه تاسیس اسلامی کرد و به این منظور رشته عملیات بمب گذاری خود را شروع کرد. این عملیات شامل بمب گذاری در دفتر مرکزی حزب جمهوری اسلامی- که در آن حدود ۷۰ تن از مقامات عالی رتبه ایرانی از جمله رئیس دیوان عالی کشور آیت الله محمد بهشتی کشته شدند- و دفتر نخست وزیری- که به کشته شدن محمد علی رجایی و محمد جواد باهنر، رئیس جمهور و نخست وزیر وقت منجر شد- می شود. به ادعان گزارش وزارت خارجه آمریکا، این حملات منجر به قیام مردمی علیه منافقین شد.

در زمان جنگ ایران و عراق، منافقین همکاری همه جانبه خود را با صدام آغاز کردند. دیکتاتور عراق به منافقین اسلحه، پول نقد و محلی برای استقرار (به نام کمپ اشرف) داد و در مقابل خواستار تداوم حملات آنها در داخل ایران و همچنین کمک به سرکوب مخالفان داخلی اش شد. به گفته یک پژوهشگر آمریکایی ایرانیان در این مرحله از تاریخ، اقدامات منافقین را یک خیانت غیر قابل بخشش دانستند؛ به طوری که حامیان باقی مانده خود در داخل ایران را به تمامی از دست دادند. در مه ماه می ۱۹۸۸، «نیویورک تایمز» نیروهای منافقین را «یک واحد پیاد نظام سبک و مجهز به توپخانه و خودروهای زرهی ساخت شوروی» توصیف کرد. این روزنامه همچنین خاطرنشان کرد: «این گروه تا کنیک ها و رویه های نظامی شوروی را، که عراق هم از آن استفاده می کند، به کار می گیرد.»

بر اساس گزارش تروریسم سال ۲۰۰۹ وزارت خارجه آمریکا، بر مبنای ششواهد به دست آمده پس از سقوط صدام، منافقین از سال ۱۹۹۹ تا ۲۰۰۳ ۲ میلیون ها دلار از صدام بابت برنامه جانبی «نفث در برابر غذا» دریافت کردند. بر پایه این گزارش، در جریان اشغال عراق لیستی از ۱۲ سازمان به دست آمد که چنین کمک هایی را از صدام دریافت می کردند و نام منافقین هم در بین آنها مشاهده می شود. این گزارش می افزاید شواهدی که نشان دهنده ارتباط منافقین با رژیم سابق عراق است، شامل اسناد مکتوب و نیز ویدئوهایی است از اهدای کیفی از پول به رهبران شناخته شده منافقین توسط صدام و آموزش های نظامی ارتش عراق به منافقین.

بنابر گزارش یک موسسه پژوهشی در آمریکا در مقابل پشتیبانی صدام، منافقین کمک هایی در زمینه جاسوسی از داخل ایران، بازجویی و اقرارگیری، ترجمه از فارسی و همکاری مستقیم نظامی ارائه می دادند. بر پایه این گزارش، منافقین به ایران در مناطق مرزی حملات متعددی کردند و درگیری هایی با نیروهای نظامی ایران و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی داشتند که گاهی ارتش عراق هم در این مبارزات به آنها کمک می کرد. رند در گزارش خود می نویسد بیش از یک چهارم اعضای منافقین در این حملات ناموفق در عراق کشته شدند.

در ۲۰ ژوئن ۱۹۸۷ گروهک منافقین، شکل گیری ارتش آزادی بخش ملی در داخل عراق را اعلام کرد و سال بعد، در هشتمین سال جنگ ایران و عراق، ارتش آزادی بخش ملی به ایران چندین بار حمله کرد. بزرگ ترین عملیات، با اسم رمز «فروغ جاویدان» پس از موافقت ایران با قطعنامه سازمان ملل مبنی بر آتش بس در ۱۸ جولای ۱۹۸۸ صورت گرفت. مسعود بنی صدر، از اعضای عالی رتبه سابق سازمان که به عنوان نماینده گروه در سازمان ملل متحد و ایالات متحده فعالیت می کرد، درباره این عملیات نوشته است: «نیروهای ارتش آزادی بخش ملی که تقریبا هفت هزار مبارز بودند، بلافاصله برای حمله به ایران تجهیز شده بودند. حدود ۱۰ سال بعد، زمانی که سازمان برای اولین بار اسامی و عکس های کشته شدگان عملیات را منتشر کرد، تعداد کشته ها ۱۳۰۴ نفر اعلام شد. تلفات رسمی دیگر شامل ۱۱۰۰ نفر زخمی بود که ۱۱ نفر آنها بعدا فوت کردند.» به گزارش «نیویورک تایمز» در سال ۱۹۹۱، صدام حسین از منافقین و تانک های آنها به عنوان نیروهای پیشرو برای سرکوب

سیاست

قیام کردها در شمال و شورش های شیعی در جنوب عراق استفاده کرد. بر پایه این گزارش، اعضای سابق منافقین دستور ننگین مریم رجوی در آن زمان را به یاد می آورند: «کردها را زیر تانک های خود ببرید و گلوله های خود را برای سپاه پاسداران ایران حفظ کنید.»

این روزنامه در ۱۶ آوریل ۱۹۹۲ نوشت منافقین در موجی از حملات هماهنگ، به سفارتخانه های ایران در نیویورک، اتاوا و هشت کشور اروپای غربی یورش برده، اقدام به تخریب دفاتر و گروگان گیری کردند. در اروپا صدها نفر از اعضای این سازمان به سفارتخانه ها و کنسولگری های تهران در آلمان، فرانسه، بریتانیا، سوئیس، هلند، دانمارک، سوئد و نروژ حمله کردند. شماری از تظاهرات کنندگان دستگیر شدند و بسیاری از سفارتخانه های ایران بعضا توسط کوکتل مولوتف به شدت آسیب دید. در بیانیه ای از مقر منافقین در بن، اعلام شد که این حملات به نشان اعتراض به بمباران پایگاه «ارتش آزادی بخش ملی» در ۴۰ مایلی شمال بغداد صورت گرفته است.

بر پایه یک گزارش در روز ۵ آوریل ۱۹۹۲، دفتر نمایندگی ایران در محل سازمان ملل در نیویورک توسط پنج نفر که خود را از اعضای منافقین معرفی کردند، مورد حمله قرار گرفت و اشغال شد. بر اساس این گزارش، پنج فرد متجاوز دستگیر و به نقض سه مورد از قوانین آمریکا متهم شدند. در آوریل ۱۹۹۹، منافقین فرمانده نظامی سرشناس ایرانی را مورد هدف قرار دادند و سرتیپ علی صیاد شیرازی، معاون رئیس ستادکل نیروهای مسلح ایران را ترور کردند.

خصوصیات فرقه گونه مجاهدین خلق

موسسه آینده پژوهی رند در سال ۲۰۰۹ گزارشی را درباره وضعیت اعضای منافقین در کمپ اشرف، اولین پایگاه منافقین در عراق منتشر کرد. این گزارش که با عنوان «سازمان مجاهدین خلق در عراق؛ معمای سیاسی» منتشر شد، عنوان کرد که تا ۷۰ درصد از اعضای منافقین علی رغم میل باطنی خود در آنجا ننگه داشته می شدند. نویسنده این گزارش، در گفت وگو با «میت پرس نیوز» بیان کرده است: «در اردوگاه های مجاهدین خلق، مجموعه ای از هنجارها وجود دارد که همگی از مصادیق کلاسیک نظریات درباره فرقه ها محسوب می شوند. از این قبیل می توان به محرومیت از خواب، پروژه های کار اجباری، تجرد اجباری، طلاق اجباری و تفکیک جنسیتی اشاره کرد.» بر اساس یک گزارش، در کمپ اشرف، بستگان و همسران سابق در مجموعه های جداگانه نگهداری می شدند و مجاز به دیدن یکدیگر نبودند:

«مردان و زنان در اردوگاه های مجاهدین خلق به صورت سختگیرانه ای جدا از هم هستند. محل زندگی آنها بر اساس جنسیت جداسازی می شود و در دیگر ساختمان ها، خطوطی ارتباطات شان با دوستان و خانواده شان، هم در داخل و هم در خارج از تشکیلات قطع می شود:

«دوستی نزدیک را به عنوان «روابط آزاد» در نظر می گیرند و به شدت ممنوع است. اعضا تنها می توانند با فرمانده واحد خود، آن هم در موارد خاص، آزادانه در ارتباط باشند و برای هر نوع ارتباط دیگری اجازه فرماندهان لازم است. خبرچینان بر مکالمات میان اعضای گروه نظارت می کنند. در بسیاری از موارد، به خانواده های منافقین در ایران گفته می شود که بستگان شان فوت کرده یا کشته شده اند.»

الیزابت روبین، نویسنده سابق «نیویورک تایمز»، در آوریل ۲۰۰۲

۱۳

عالی رتبه آمریکا بعد از انتخاب دونالد ترامپ در نوامبر ۲۰۱۶ واضح تر شد. در ابتدای روی کارآمدن ترامپ و با گمانه زنی های رسانه ها درخصوص حضور برخی حامیان تابلودار منافقین مانند رودی جولیانی، جان بولتون، کلیر لوپز و نیوت گینگرچ، در دولت، افراد و رسانه های مختلف نسبت به نفوذ منافقین در دولت و تحریک آن برای اتخاذ تصمیمات ماجراجویانه درخصوص ایران هشدار دادند.

در ۹ ژانویه ۲۰۱۷، درست چند روز قبل از شروع ریاست جمهوری ترامپ، ۲۰ نفر از مقامات سابق ایالات متحده از هر دو حزب سیاسی این کشور با ارسال نامه ای به وی خواستار باز شدن در های گفت وگوی استراتژیک با منافقین شدند. آنها نامه ای را که در سال ۲۰۱۵ منتشر کرده بودند، دوباره منتشر کردند. در آن نامه آمده بود: «امروز ما خواستار پایان دادن به رویکرد اشتباه کسانی هستیم که در واشنگتن هستند. کسانی که خواهان انزوا، محرومیت یا نادیده گرفتن گسترده ترین، سازمان یافته ترین و بهترین سازمان سیاسی مخالف ایران، یعنی شورای ملی مقاومت ایران به رهبری مریم رجوی هستند. در سال های اخیر ما خانم رجوی و شورای ملی مقاومت ایران را بهتر شناختیم و بهتر از خیلی ها در واشنگتن که معتقدند به هر دلیلی شورای ملی مقاومت باید مهار شود، مقاومت را می شناسیم.»

جیوسون رضاییان، روزنامه نگار ایرانی-آمریکایی با اشاره به انتصاب جان بولتون به عنوان مشاور امنیت ملی ترامپ گفته است: «سازمان مجاهدین خلق نوعی گروه حاشیه ای است که در کاخ سفید اردوگاه زده و ادعاهایی کاملاً بی اساس از خود می پراند. اینجا آمریکا است، ما اجازه می دهیم افراد دیوانه حرف بزنند. این حق آنهاست، و من هرگز پیشنهاد نمی دهم که آنها را از این کار منع کنند؛ اما میدان دادن به مجاهدین خلق در کاخ سفید یک ایده وحشتناک است. از نظر جان بولتون آنها کاری را که اووهم فکرانش می خواهند، برایشان انجام می دهند: جان بولتون و فرقه ای را به او پول می دهد، خواستار تغییر رژیم در ایران هستند.»

شاید بولتون بانفوذترین شخصیتی است که ارتباط نزدیکی با منافقین دارد؛ اما او تنها نیست. امضا کنندگان نامه ای که در سال ۲۰۱۷ خطاب به ترامپ نوشته شد، شامل دموکرات ها نیز بوده است.

در ادامه، به افراد نزدیک دونالد ترامپ که از طرفداران منافقین در ایالات متحده هستند، نگاهی می اندازیم و سوابق آنها را مرور می کنیم.

جان بولتون

جان بولتون سومین مشاور امنیت ملی دونالد ترامپ است. پیش از این منصب، او عضو ارشد موسسه نوحافظه کار امریکن اینترپرایز، رئیس موسسه ضداسلامی گیت استون، مشاور موسسه یهودیان برای امور امنیت ملی و عضو هیات مدیره پروژه قرن جدید آمریکایی بود. بولتون همچنین برای «فاکس نیوز»، «وال استریت ژورنال»، «واشنگتن تایمز»، «ویکلی استاندارد» و دیگر رسانه های راست گرا مطلب می نوشت.

طی کارزار انتخاباتی سال ۲۰۱۶، بولتون در تجلیل از سیاست خارجی دونالد ترامپ، رابطه خود با نوحافظه کارانی مانند رابرت کگان و بیبل کریستول را برهم زد. او در ۹ آوریل ۲۰۱۸ به عنوان مشاور امنیت ملی ترامپ آغاز به کار کرد. «نیویورک تایمز» نوشت که ظهور بولتون و مایک پمپئو همزمان با خروج رکس تیلرسون و ژنرال مک مستر، به این معنی است که تیم سیاست خارجی ترامپ اکنون «افراطی ترین تیم سیاست خارجی بین چندین رئیس جمهور اخیر آمریکا» است و با تیم سیاست خارجی جورج دبلیو بوش، و به ویژه با دیک چنی و دونالد رامسفلد قابل مقایسه است.

در چند سال گذشته چندین تن از مقامات سابق، سیاستمداران و افسران نظامی بازنشسته، مشوق و حامی منافقین بوده اند؛ اما بولتون یکی از قدیمی ترین و ثابت مدت ترین پشتیبانان آمریکایی این گروه است. به گفته کلیف کوپچان رئیس و کارشناس ایران در یوراسیاگروپ بولتون احتمالا منافقین را به عنوان ابزاری در جهت تغییر رژیم ایران می بیند.

او همواره از این فرقه تمایت خواه به عنوان گروه «دموکراتیک» مخالف ایران یاد می کند. برای مثال، در جولای ۲۰۱۷، بولتون در جمع گروهی از هواداران منافقین در پاریس ادعا کرد: «قبل از سال ۲۰۱۹، جشن [پیروزی] خود را در تهران برگزار می کنیم.» در همان سخنرانی، بولتون اعلام کرد که سیاست رسمی ایالات متحده باید تغییر رژیم ایران باشد.

به گزارش کریستین ساینس مانیتور، بولتون به همراه پاتریک کندز، رودی جولیانی و مایکل استیل از جمله مقامات سابق آمریکایی هستند که برای خارج کردن منافقین از فهرست گروه های تروریستی خارجی وزارت خارجه آمریکا به لابی گری می پرداختند و در ازای آن مبالغ درشتی به عنوان دستمزد دریافت می کردند. تلاشی که در سپتامبر ۲۰۱۲ به ثمر نشست و منافقین، علی رغم سابقه طول و دراز در خشونت و ترور، از فهرست تروریستی خارج شدند. جوان استاکر، کارشناس گروهک منافقین گفته است که این گروهک احتمالا به بولتون حداقل ۱۸۰ هزار دلار به عنوان «هزینه سخنرانی» پرداخت کرده است؛ موضوعی که به اعتقاد استاکر، از او بیشتر یک لابیسیمن ساخته تا سیاستمدار. همچنین به نقل از سایت خبری «نشنال اینترست»، فرم های عمومی افشاگری مالی نشان می دهد بولتون تنها در ازای یک جلسه سخنرانی برای منافقین ۴۰ هزار دلار دریافت کرده است.